

اصول و شاخصه‌های

جریان توحیدی و غیر توحیدی در قرآن کریم*

- علی جلائیان اکبرنیا^۱
- محمدعلی مهدوی راد^۲
- جواد ایروانی^۳

چکیده

انسان برای پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی خویش، توان زیادی به کار می‌بندد و از امور مختلف و جریان‌های اجتماعی گوناگونی استفاده می‌برد. ولی بسیاری از تلاش‌های او بی‌حاصل و گاه بدفرجام است؛ چه، سبک و جریان اجتماعی‌ای که برگزیده است، بر اصول و مبانی ناسالمی استوار گردیده است. این نوشتار که به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی - تحلیلی سامان می‌یابد، در پی آن است که با مراجعه به قرآن و با روش تحلیل محتوا، شاخصه‌های جریان اجتماعی توحیدی را تبیین نماید؛ جریانی که نیازهای واقعی، مادی و معنوی انسان را می‌شناسد و به درستی پاسخ می‌گوید تا بشریت بتواند در جامعه‌ای سالم،

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (jala120@yahoo.com).
۲. دانشیار دانشگاه تهران، پردیس قم (نویسنده مسئول) (mahdavidrad@ut.ac.ir).
۳. دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (irvani_javad@yahoo.com).

به کمال دنیا و آخرت خویش دست یابد. این جریان نیازها بشر را تحت مدیریت عقل و شرع پاسخ می‌دهد تا انسان به مسیر رضوان الهی نائل گردد و از اضطراب و نگرانی دور باشد و با کمبودهای مادی از پای درنیاید.

ضرورت این بحث آنگاه رخ می‌نماید که همیشه در مقابل جریان توحیدی، جریان طاغوت نیز مدعی پاسخ‌گویی به نیازهای بشری است و با برنامه‌هایی مادی، بسیاری را نیز به پیروی از خویش واداشته است. این جریان، پاسخ‌گویی به نیازها را در مسیر قدرت‌طلبی و لذت‌گرایی دنبال می‌نماید و به خلأهای معنوی انسان نیز پاسخی مادی می‌گوید. از این روی، همیشه با ناکامی‌های فراوان روبه‌رو می‌گردد و انسان را از فطرت پاک انسانی دورتر می‌نماید. این اثر با اشاره به نیازهای مادی و معنوی بشر، به تبیین اصول دو جریان پاسخ‌گویی آن پرداخته است و عبودیت و خدامحوری، ایمان به غیب و معاد و ولایت حق را اصول جریان توحیدی، و انسان‌محوری، مادی‌گرایی و ولایت طاغوت را اصول جریان طاغوت برشمرده و در پایان به شاخصه‌های این دو جریان پرداخته است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، نیازهای بشر، جریان توحیدی، جریان غیر توحیدی (طاغوتی).

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و به جهت رفع نیازهای خویش، به تعامل با دیگران می‌پردازد. در طول زمان، این تعامل منجر به ایجاد نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شده است. خداوند با فرستادن رسولان و کتاب‌های آسمانی، در پی ارائه نظامی توحیدی است؛ نظامی که پاسخ‌گویی نیازهای دنیوی و سعادت اخروی است. قرآن کریم در این راستا، نظام توحیدی را ترسیم کرده و زیرساخت‌های آن را ارائه نموده است. ولی برخی از انسان‌ها به جهت نگاه مادی خویش یا کسب منافع بیشتر، به ارائه نظام غیر دینی پرداخته و مدعی پاسخ‌گویی به نیازهای بشر شده‌اند. تقابل ظاهری این دو نظام، بشر را بر سر دوراهی حق و باطل قرار داده و گاه موجب سردرگمی افراد شده است. مسئله اصلی این است که بر اساس قرآن کریم، اصول و شاخصه‌های جریان سالم از ناسالم چیست؟ بر این باوریم که در قرآن افزون بر تبیین اصول و شاخصه‌های جریان توحیدی، اصول و شاخصه‌های جریان طاغوت نیز آمده

است. جریان هایلی و قایلی (ر.ک: مانده / ۲۷-۳۲)، تقابل جریان موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و جریان فرعون (ر.ک: یونس / ۷۵-۹۵)، و یارویی جریان انبیای الهی با مشرکان و کفار (ر.ک: یونس / ۷۱-۷۴)، تضاد مثلث قدرت، ثروت و حکومت باطل در برابر جریان حکومت الهی (ر.ک: مؤمنون / ۳۱-۴۴)، همه و همه برای روشن نمودن سبک و مسیر زندگی توحیدی و طاغوتی است. قرآن کریم نتیجه پیمودن هر یک از این جریان‌ها را روشن ساخته و به عاقبت آن نیز اشاره می‌کند تا بشر با انتخابی آگاهانه، مسیر و سبک زندگی خویش را انتخاب نماید.

در این جستار، در پی تبیین جریان توحیدی و ساختارهای اجتماعی آنیم و به همین مناسبت به جریان طاغوتی نیز اشاره خواهیم نمود تا مسیر حرکت به سوی کمال روشن باشد.

۱. نیازهای بشر

انسان دارای نیازهای مادی و معنوی است که از دو مرتبه ظاهر و باطن او سرچشمه می‌گیرد؛ چه اینکه انسان دارای دو نشئه و مرتبه است؛ یک مرتبه دنیا و مرتبه دیگر، غیب و ملکوت (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۸/۳۴۶-۳۴۷). این مراتب هر دو، منشأ نیازهای بشری هستند؛ جسم دنیایی انسان نیازهایی دارد و مرتبه غیب انسان نیز نیازهایی. گروهی از اندیشمندان، ریشه برخی از نیازهای انسان را قوای درونی وی همچون قوه واهمه، غضبیه و شهویه می‌دانند.

قوه شهویه، میل به لذت‌ها را مدیریت می‌کند و زمینه کسب آن‌ها را در انسان فراهم می‌آورد (ر.ک: احمدپور، ۱۳۸۵: ۳۰). نیاز به همسر، فرزند، مال بسیار و امور رفاهی، برخی از این لذت‌هاست که قرآن کریم به آن اشاره می‌کند (ر.ک: آل عمران / ۱۴؛ نیز: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳: ۲/۴۵۶-۴۵۷). قوه غضبیه، مدیریت ناملایمات را بر عهده دارد و در دور نمودن آن‌ها نقش ایفا می‌کند (ر.ک: نراقی، بی‌تا: ۷۵/۱). قوه واهمه، رفتارهای انسان را مدیریت می‌نماید و شرایط را برای کنترل شهوت و غضب فراهم می‌آورد.

برخی دیگر از نیازهای بشر از فطرت او سرچشمه می‌گیرد؛ چه اینکه انسان، فقر مطلق است و برای رفع آن، نیاز به تکیه‌گاهی مطمئن دارد. اگر آدمی این نیاز را با توجه

به فرامین الهی پاسخ گوید، به مطلوبش دست یافته است و اگر به دیگری روی کند، از مسیر توحید خارج شده و به نهایتِ مطلوبش نخواهد رسید ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر / ۱۵).

نیازهای فطریِ یادشده، با امور مادی پاسخ کامل نمی‌گیرند و برآورده شدن آن‌ها، برتر از حدّ ماده است. قلهٔ این نیازها را حرکت به سمت کمال مطلق پاسخ گوشت (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۷)؛ یعنی مقام قرب و رضوان الهی. انسان در این مقام، پاسخ نیازهای فطری خویش را به صورت کامل دریافت نموده و مظهر اتمّ اسماء حسناى الهی می‌گردد (ر.ک: همو، ۱۳۷۲: ۳۲).

پاسخ‌گویی به مجموعه نیازهای یادشده، در نهاد انسان به ودیعت گذاشته شده و جزء غرایز انسانی است. همین امر آدمی را به تلاش و می‌دارد و فعالیت انسان را برای بقای خویش رقم می‌زند. ولی باید دانست که این نیازها گرچه برخی جنبه مادی دارند، همهٔ آن‌ها ریشه در مرتبه غیب و ملکوتی انسان دارند؛ حتی نیازهای مادی انسان نیز از مرتبهٔ غیب و ملکوت انسانی تأثیر می‌پذیرند (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۱)، مثلاً میل به زیبایی. این زیباپسندی و جمال‌گرایی، هرچند از خواسته‌های مادی است، اما در واقع انسان را در مسیر خدا قرار می‌دهد؛ چرا که خداوند زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۳۸/۶).

۲. جریان‌های پاسخ‌گو به نیازهای بشر

قرآن کریم پس از اشاره به نیازهای مادی و معنوی، مسیر پاسخ‌گویی به آن را نیز در غالب جریان توحیدی تبیین می‌کند و شاخصه‌های آن را مطرح می‌نماید. اما از آنجا که جریان مخالف توحید نیز مدعی است که توانایی برطرف کردن نیازهای انسانی را دارد، قرآن به تبیین این مسیر نیز پرداخته و عاقبت آن را تبیین نموده است تا انسان با انتخاب آن، به هلاکت کشانده نشود.

جریان توحیدی جهت برآورده نمودن تمام نیازهای مادی و معنوی انسان، برنامه دارد؛ برنامه‌ای تحت مدیریت عقل و شرع تا انسان بر اساس این نقشهٔ ارائه‌شده بتواند در مسیر حرکت خویش، عمل صالح انجام داده و اخلاق حسنه را کسب کند و به مقام

قرب و رضوان الهی نائل گردد (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۵): ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل / ۹۷). حیات طیبه نتیجه پیمودن مسیر توحیدی است که نقطه مقابل آن حیات خبیثه است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۸۰-۴۸۱).

بر خلاف جریان توحیدی، برنامه جریان طاغوت تحت مدیریت عقل و شرع قرار ندارد و در پاسخ‌گویی به نیازهای انسان حد و مرزی قائل نیست. این جریان با آنکه از هر ابزاری در پاسخ‌گویی به نیازها بهره می‌برد، ولی توانسته است به همه نیازهای بشر پاسخ گفته و انسان را با تمام داشته‌هایش قانع نماید. این جریان، نیازهای مادی و معنوی انسان را با شهوت و غضب بدون مرز یا لذت‌گرایی و قدرت‌طلبی مطلق پاسخ می‌دهد و کمال انسانی را میزان دستیابی او به لذت و قدرت تعریف می‌کند. قرآن این جریان را نکوهش می‌کند و می‌فرماید: ﴿أَرَأَيْتَ مَنْ أَخَذَ إِلَهُهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾ (فرقان / ۴۳). در مسیر غیر توحیدی، گرچه بتوان از آسایش و رفاه سراغی گرفت، ولی از آرامش خبری نیست؛ چه، در این مسیر هیچ‌گاه نمی‌توان به لذت و قدرت بی‌پایان دست یافت؛ به این جهت که دنیا و ابزار آن، سراسر محدودیت است و حرکت در مسیر غیر توحیدی، دور شدن از فطرت‌های پاک انسانی است. به هر میزان که انسان در این مسیر پیش می‌رود، از اصل و مبدأ خویش دور می‌ماند؛ همانند تشنه‌ای در کویر که به دنبال آب می‌رود، اما هر چه که بیشتر تلاش می‌کند، خسته و ناامیدتر می‌شود و به دنبال سرایی دیگر قدم برمی‌دارد: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَائِغًا وَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فُوفَاءً حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (نور / ۳۹).

۳. اصول و پایه‌های جریان‌های توحیدی و غیر توحیدی

جریان توحیدی مبتنی بر اصول و پایه‌هایی بنا شده است. در مقابل، جریان غیر توحیدی نیز مدعی است که دارای اصول و چهارچوبی خاص است. تمام فعالیت‌های افراد در این دو جریان، مبتنی بر اصول آن توجیه و دیده می‌شود. از این روی، اهل ایمان و کفر در جریان توحیدی و طاغوتی همیشه در کارزار با یکدیگر قرار دارند (نساء / ۷۶).

در ادامه به تبیین اصول و مبانی جریان توحیدی و غیر توحیدی می‌پردازیم.

۳-۱. اصول جامعه توحیدی

۳-۱-۱. عبودیت و خدامحوری

عبودیت زیربنای جامعه توحیدی است؛ چه، از دیدگاه اسلام، انسان بیهوده و بی‌هدف پا به عرصه هستی نهاده است (مؤمنون/ ۱۱۵-۱۱۶) و آفرینش او و تمامی امکاناتی که در اختیارش نهاده شده است، همگی هدفی بس متعالی و والا دارد.

اما هدف از آفرینش آدمی در بینش توحیدی چیست؟ پاسخ این پرسش را به اجمال چنین می‌توان داد که از یک سو، انسان موجودی کمال طلب است و در همه کمالات، به سوی بی‌نهایت گرایش دارد، و از سوی دیگر، وجود بی‌نهایت کامل، وجود خداوند است. بنابراین مطلوب نهایی انسان، در نزدیک شدن هر چه بیشتر به سرچشمه کمال هستی یعنی قرب الهی (ر.ک: نجم/ ۴۲؛ قیامت/ ۲۲-۲۳) و هدف متعالی‌اش، تکامل اختیاری است (ر.ک: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۲۵ و ۱۲۹). دستیابی به این هدف از دیدگاه قرآن، تنها با عبودیت و بندگی و سر نهادن به فرامین الهی شدنی است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/ ۵۶). تردیدی نیست که مقصود از عبودیت، تنها انجام مراسمی خاص همچون نماز و روزه نیست، بلکه حقیقت عبادت، اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود و نهایت تسلیم در پیشگاه اوست (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۵۴۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۹۲؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳: ۲۲/۳۸۷). در نتیجه، هر گونه عملکردی در راستای بندگی او یعنی سبک زندگی توحیدی، حرکت در مسیر عبودیت به شمار می‌رود (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۱۲/۵۲-۹ و ۱۳-۹).

بدین سان بر خلاف مکاتب دیگر به ویژه سرمایه‌داری که کمال مطلوب انسان را ارضای هر چه بیشتر خواسته‌های مادی دانسته و هدف از فعالیت‌های بشری را دستیابی به حداکثر مطلوبیت و سود می‌داند (ر.ک: دادگر و رحمانی، ۱۳۸۳: ۴۷)، در جهان‌بینی اسلامی، کمال نهایی انسان، نزدیکی به خداوند متعال و رسیدن به مقام رفیع عبودیت است. باورمندی به این هدف (نزدیکی به خدا)، به فعالیت‌های انسان جهتی خاص می‌بخشد و بسیاری از مباحث ارزشی در عرصه فردی و اجتماعی، تنها در پرتو چنین

نگرشی معنا می‌یابد.

اکنون این پرسش پیش می‌آید که آیا چنین هدفی، با انگیزه‌های طبیعی نفس سازگار خواهد بود؟ و آیا در فعالیت‌های مربوط به امور دنیوی، عامل رکود و مانعی بر سر راه شکوفایی و رشد نیست؟

پاسخ این است که هدف یادشده، با انگیزه‌های طبیعی نفس به طور کامل هماهنگ می‌نماید و عامل شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های آدمی است؛ چه، گرایش‌ها و انگیزه‌های مختلف انسان، همگی به حبّ نفس برمی‌گردد. انگیزه حبّ نفس، موارد گوناگونی دارد که مهم‌ترین آن‌ها، «حبّ بقا» (ر.ک: طه / ۱۲۰؛ اعراف / ۲۰؛ نحل / ۹۵-۹۶؛ ق / ۳۴)، «کمال‌خواهی» (ر.ک: بقره / ۱۸۶؛ حجرات / ۷؛ انشقاق / ۶) و «لذت‌جویی» (ر.ک: آل عمران / ۱۴-۱۵؛ زخرف / ۷۱) است. تردیدی نیست که حب بقا و گرایش به زندگی جاویدان و نیز کمال‌خواهی انسان، با نزدیک شدن هر چه بیشتر به خداوند متعال تأمین می‌گردد؛ چرا که خداوند، خود کمال مطلق است و قرب به او نویدبخش زندگی جاویدان جهان آخرت خواهد بود (ر.ک: ابروایی، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۵).

این حقیقت را می‌توان مهم‌ترین احساس مشترک جامعه اسلامی نامید. روح عبودیت، جامعه را مانند یک پیکر می‌نماید؛ به گونه‌ای که ناراحتی یک عضو باعث ناراحتی تمام آن پیکر می‌شود. ساختار جامعه توحیدی به گونه‌ای است که حتی حاکم آن، زمانی که خبر کشیده شدن خلخال از پای دخترکی از اهل ذمه را می‌شنود، برآشفته گشته، می‌فرماید:

«اگر از این پس، مرد مسلمانی از غم چنین حادثه‌ای بمیرد، چه جای ملامت است، بلکه در دیده من شایسته کرامت است» (تهجج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۲۷).

۲-۱-۳. ایمان به غیب و معاد

ایمان به غیب و معاد، یکی دیگر از مبانی جامعه توحیدی است (ر.ک: بقره / ۳؛ یس / ۱۱). باور به زندگی جاویدان انسان و اینکه اعمال و اخلاق انسان در قیامت مجسم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۹۶)، رفتار دنیایی او را تغییر می‌دهد و مبتنی بر مسیر توحیدی می‌گرداند (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴).

ایمان به غیب، افزون بر بُعد اعتقادی، بُعد رفتاری نیز دارد و سبب می‌شود که رابطه افراد بر محور ایثار و از خودگذشتگی بنا شود و مردم در مسیر رشد جامعه، سختی‌ها را با جان و دل بپذیرند و دلسرد نشوند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۲۲۸)؛ چه، یقین دارند که نتیجه اعمالشان را به طور کامل خواهند دید (حدید/۱۲). همچنین معادباوری، ابزاری است که آدمی را خستگی‌ناپذیر و امیدوار نگه می‌دارد و حتی آن زمان که گمان می‌رود شکست ظاهری حتمی است، دست از تلاش و مبارزه نمی‌کشد و اینجاست که یاری خدا را نیز خواهد دید: ﴿إِذْ نَسْتَعِينُونَ رَبَّنَا مَا سَجَابَ لَكُمْ أُنِّي مُذَكَّرًا بِأَنَّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْسَلِينَ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (انفال / ۱۰-۹).

۳-۱-۳. ولایت حق

ولایت حق یکی دیگر از اصول جامعه توحیدی است. ولایت در حرکت جامعه به سوی اهداف خویش، پیوستگی و نظم ایجاد می‌نماید و منجر به شکوفایی تمام استعدادهای فردی و اجتماعی می‌گردد و از دیگر سو مانع نفوذ اندیشه‌های باطل می‌شود (ر.ک: ممتحنه / ۱؛ نیز: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۵۳۵-۵۷۹).

ولی و سرپرست در جامعه توحیدی، تبلور همه عناصر مثبت و سازنده و مظهر کامل اندیشه توحیدی است. در سایه ولایت ولی الهی، جامعه‌ای با قدرت متمرکز اجتماعی به وجود می‌آید و محرک همه نیروها می‌گردد (همان: ۵۵۳-۵۷۳): ﴿أَتَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مانده / ۵۵؛ ر.ک: بقره / ۲۵۷). از ویژگی‌های مهم ولی، ارتباط با مردم و فروتنی در مقابل آنها و سرسختی و استواری در مقابل جریان‌های مخالف و جبهه طاغوت است (ر.ک: فتح / ۲۲). در این صورت، جامعه می‌تواند با عزت پیش رود و در مقابل نفوذ دشمنان ایستادگی نماید. ولی الهی، الگوی عملی جامعه توحیدی است؛ لذا تمام فعالیت‌های افراد جامعه، رنگ و بوی توحیدی به خود می‌گیرد (همان: ۵۸۱-۵۸۲). امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: ﴿فَلَيْسَتْ تَصْلُحَ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَأَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا. عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَجَرَتْ عَلَى أَدْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَطَمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَبَسَّتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ﴾ (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۲۱۶)؛ پس حال رعیت نیکو

نگردد جز آنگاه که والیان نیکورفتار باشند، و والیان نیکورفتار نگردند، جز آنگاه که رعیت درستکار باشد. پس چون رعیت حقّ والی را بگذارد و والی حقّ رعیت را به جای آرد، حق میان آنان بزرگ‌مقدار شود، و راه‌های دین پدیدار، و نشانه‌های عدالت برجا، و سنت چنان که باید اجرا. پس کار زمانه آراسته گردد و طمع در پایداری دولت پیوسته، و چشم از دشمنان بسته شود.

۲-۳. اصول جامعه غیر توحیدی (طاغوتی)

جامعه غیر توحیدی نیز از اصول و مبانی خاصی پیروی می‌نماید و این اصول و مبانی، ماهیت دو جامعه را از یکدیگر متفاوت می‌سازند.

۱-۲-۳. انسان محوری

یکی از مبانی جامعه غیر توحیدی، انسان محوری است. انسان محوری یا اومانیسیم، اندیشه‌ای است که بر منافع و ارزش‌های بشری، تمرکز یافته است. در این اندیشه، اصالت نه به خدا که به انسان داده می‌شود: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ أَخَذَ إِلَهُهُ هَوَاهُ» (جائیه / ۲۳). تجربه فرد، تنها ملاک شناخت حقیقت است و اندیشه‌ها و خواسته‌های انسانی، ملاک خوبی‌ها و بدی‌ها و قوانین و مقررات می‌باشد (ر.ک: دیویس، ۱۳۷۸: ۳۸ و ۱۷۰-۱۸۳). آربلاستر در این باره می‌گوید:

«بر اساس اومانیسیم، اراده و خواست بشر، ارزش اصلی، بلکه منبع ارزش‌گذاری محسوب شده و ارزش‌های دینی که در عالم اعلا تعیین می‌شود، تا سرحدّ اراده انسانی سقوط می‌کند» (۱۳۷۷: ۱۴۰).

بر اساس این اندیشه، حتی مکاتب اخلاقی نیز بی‌توجه به آموزه‌های وحیانی و گاه در تضاد با آن (ر.ک: کاپلستون، ۱۳۷۰: ۳۹۷/۷-۴۰۶)، تنها بر پایه اندیشه‌های بشری شکل می‌گیرد و بر جدایی دین از همه عرصه‌های اجتماعی تأکید می‌شود.

به دیگر سخن، «اومانیسیم» به صورتی مستقیم، پایه دموکراسی غربی جدای از دین، سکولاریسم و لیبرالیسم است؛ چه، زمانی که انسان به جای خدا، قانون‌گذار مطلق گردید (ر.ک: اعراف / ۱۷۵-۱۷۷)، در وضع قوانین طبعاً محور قرار می‌گیرد و از آنجا که در یک جامعه، آراء و سلیقه‌های گوناگونی وجود دارد، به ناچار باید به «رأی اکثریت» مراجعه

کرد، هرچند خلاف وحی باشد. نتیجه این طراحی، جدایی کامل وحی و دین از عرصه قانون‌گذاری (اجتماع و سیاست و حقوق)، سکولاریسم و برقراری لیبرالیسم است.

اخلاق نشئت گرفته از این مبنا همیشه با استعمار و تسلط بر دیگران همراه است و از استعدادها و توانایی‌های جامعه و افراد آن سوءاستفاده می‌کند. هر طبقه اجتماعی تلاش می‌کند تا طبقه ضعیف‌تر را در راستای منافع خویش به خدمت بگیرد. حاکمان این جامعه، بالاترین طبقه اجتماعی را دارند و تمام استعداد جامعه را به خدمت خود می‌گیرند: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا آلِهَاتِهِمَا شُعُرًا لِيَشْكُرُوا مَا آتَيْنَاهُمْ فَسَخَّرْنَا لَهُ غَنَامَهُمْ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص / ۴).

انسان‌محوری دارای آسیب‌های فراوانی در مدیریت جامعه است؛ چه، عالم ماده و استعدادها فردی محدود می‌باشد و خواسته‌های بی‌حد و مرز صاحبان زر و زور را پاسخ‌گو نمی‌باشد. لذا اگر افراد در پی کسب منافع بیشتر مادی و دنیایی باشند، ناگزیر دست به استعمار دیگر افراد می‌زنند و جامعه‌ای را پدید می‌آورند که طبقه خاصی از فناوری و دانش جدید استفاده می‌کند و توده عظیمی از مردم برای سیر کردن خود، انواع اهانت‌ها را تحمل می‌کنند. این ناکارآمدی ارکان اجتماعی روزبه‌روز جامعه را بیشتر به عقب می‌راند (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۶۹-۷۰).

۲-۲-۳. مادی‌گرایی

مادی‌گرایی از دیگر مبانی جامعه غیر توحیدی است. هدف قرار دادن سود و لذت مادی در همه فعالیت‌ها، ویژگی عمده این نوع نگاه است: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (نحل / ۱۰۷).

در چنین جامعه‌ای، عملکرد افراد بر اساس کسب ثروت ارزش‌گذاری می‌شود: ﴿مَنْ أَحَقُّ بِالْمَالِكِ مِنْهُ وَرَبُّهُ سَعَتٌ مِنَ الْمَالِ﴾ (بقره / ۲۴۷؛ ر.ک: وبر، ۱۳۷۱: ۵۳-۵۴) و هر کاری که در راستای لذت و قدرت انسان نباشد، ناشایست تلقی می‌شود (آربلاستر، ۱۳۷۷: ۳۹). فداکاری، شهادت و ایثار در این منظومه اخلاقی، توجیه عقلانی ندارد. در این نگاه، رشادت در میدان جنگ نه به خاطر ایثار و شهادت، بلکه به هدف حفظ قدرت است؛ لذا تا آنجا ادامه می‌یابد که حیات مادی را تهدید نماید (ر.ک: مائده / ۲۴). در این جامعه،

صُعفاً محکوم به نابودی هستند و چرخ اقتصاد به نفع ثروتمندان می‌چرخد، هرچند عده‌ای نابود شوند. اگر کمکی هم به محرومان می‌شود، به جهت رفع شکاف طبقاتی است؛ چه اینکه شکاف طبقاتی، زمینه برخی سرکشی‌ها را فراهم می‌آورد و منجر به نابودی منافع ثروتمندان می‌گردد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۶۷).

این رویکرد و سبک زندگی ناشی از آن در عصر حاضر، ریشه در بن‌مایه‌های اعتقادی و به ویژه دوری از اصل «توحید در ربوبیت» دارد. توضیح اینکه بر اساس اصل «دئیسم» که محصول تفکر مادی‌گرایی تمدن غرب است، نفوذ کامل خداوند در جهان و دخالت فعال او در امور دنیا انکار می‌شود (ر.ک: کاپلستون، ۱۳۷۰: ۵ و ۱۷۹). بر اساس فلسفه دئیسم، خداوند منشأ جهان هستی است و طبیعت را چنان قانونمند، هستی بخشیده است که به صورت خودکار به حیات خود ادامه می‌دهد. نتیجه چنین اصلی، حاکمیت قوانین طبیعی بر امور عالم و از جمله جوامع انسانی است. ناتورالیسم در واقع تکمیل‌کننده دئیسم است؛ چه، با نفی تدبیر و ربوبیت الهی در امور جهان، اعتقاد به حاکمیت قوانین طبیعی جایگزین آن می‌شود. رهاورد این دو اصل، لیبرالیسم اقتصادی و رهایی از تمام قیود محدودکننده فرد است.

بر پایه این مبنای فکری، ایده تعادل خودکار، عدم مداخله دولت و لیبرالیسم اقتصادی شکل گرفت. از نگاه طرفداران این مکتب، مکانیسم بازار بدون نیاز به هیچ نیروی خارجی ماورایی (قانون‌گذاری و تشریح الهی) یا زمینی (دولت) به تعادل خودکار می‌انجامد و با وجود «دست نامرئی» که در طبیعت اجتماع به ودیعت نهاده شده است، نیازی به قوانین تشریحی یا مداخله دولت نیست (ر.ک: نمازی، ۱۳۷۴: ۲۲-۲۴). مغفول ماندن عدالت اجتماعی در نظام سرمایه‌داری نیز دقیقاً ناشی از تفکر دئیستی بود؛ چرا که صیانت از نظم طبیعی حاکم بر مکانیسم‌های اقتصادی از قبیل بازار، دستاویزی برای ضدیت با عدالت اجتماعی قرار گرفت. ^۱ هایک^۱ به گونه‌ای صریح و بی‌پرده، عدالت اجتماعی و توزیعی را کاملاً بی‌معنا می‌داند. به باور وی، از آن روی که تشکیل و عملکرد نظم‌های اجتماعی خودجوش، امری طبیعی است، نمی‌توان آن‌ها را به عادلانه

1. Hayek.

یا ناعادلانه متصف نمود. بدین جهت در اقتصاد رقابتی، تنها ترکیبی از مهارت و بخت افراد، تعیین کننده جایگاه آن‌ها روی نردبان توزیع درآمد و ثروت خواهد بود (باتلر، ۱۳۷۷: ۱۳۵؛ نیز: ایروانی، ۱۳۹۱: ۵۲-۵۴).

نیک روشن است که با پذیرش اصل توحید و نفی دئیسم، آثار و لوازم برخاسته از آن نیز منتفی می‌گردد.

اما در عرصه زندگی، منحصر نمودن هدف آدمی به مقاصد مادی صرف، موجب اضطرابی فزاینده ناشی از بی‌معنایی، فقدان کانونی معنوی در جهان مدرن و تنهایی و رنجی ناشی از زندگی بی‌هدف را موجب گشته است، آن‌سان که اروپاییان، سده اخیر را «عصر اضطراب» نامیده‌اند (ر.ک: بومر، ۱۳۸۰: ۸۰۸-۸۰۹).

۳-۲-۳. ولایت طاغوت

جامعه غیر توحیدی نیز قائل به ولایت است، اما ولایت طاغوت. این سبک از مدیریت، همه ارکان جامعه را به حرکت در مسیر طاغوت می‌کشاند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۵۹۹): ﴿...وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ التُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره/ ۲۵۷؛ ر.ک: مائده/ ۵۱ و ۵۷).

هر شخص یا گروهی که بیشترین خدمات را به ارکان قدرت ارائه نماید، جایگاه مهم‌تری را در جریان مدیریت کسب می‌کند. قرآن کریم این طبقه را با نام ملأ و مترف مطرح نموده است (هود/ ۹۷).

هیچ جامعه انسانی خواهان این امر نیست که در جهت هوی و هوس ارکان مدیریت نقش ایفا کند و ابزار دست آن‌ها شود. اما مدیریت جامعه غیر توحیدی با ایجاد تفرقه و فضای تطمیع و تهدید (همو، ۱۳۸۹: ۳۵)، باعث آن می‌شود که دستگاه محاسباتی جامعه از کار بیفتد و اراده جامعه بر آن شود تا در مسیر اهداف ارکان قدرت مشغول فعالیت گردد؛ همچنان که شیطان پیروان خود را می‌ترساند تا از تبعیت او دست نکشند (بقره/ ۲۶۸).

جامعه غیر توحیدی، استعدادها را در راستای جریان حاکمیت به کار می‌گیرد و علم و فناوری را جهت تسلط حاکمان توسعه می‌دهد، نه در راستای انسانیت

و عدالت. جامعه غیر توحیدی، ضعف این نوع مدیریت را زمانی کاملاً درک می‌کند که دادگاه الهی آن‌ها را محکوم به عذاب کند: ﴿وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَمَا تُمِئْتُمْ مُعْتُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرٌ عَلْنَا أَمْ صَبْرًا مَا لَنَا مِنَ مَحِيصٍ﴾ (ابراهیم / ۲۱).

۴. شاخصه‌های جامعه توحیدی و غیر توحیدی (طاغوتی)

جریان‌های توحیدی و غیر توحیدی، ابزار و شاخصه‌های متناسب با خود را به کار می‌گیرند تا بتوانند جامعه را به سمت اهداف خویش سامان‌دهی کنند و پاسخ‌گوی نیازهای بشری باشند.

۴-۱. شاخصه‌های جامعه توحیدی

جامعه توحیدی جهت رشد افراد و شکوفا نمودن استعدادها، شاخصه‌هایی دارد. این شاخصه‌ها می‌توانند بشریت را در جنبه‌های مادی و معنوی رشد داده و به کمال برسانند.

۴-۱-۱. پی‌ریزی امور بر اساس تفکر و اندیشه

تفکر و اندیشه، یکی از شاخصه‌های جامعه توحیدی است. در بیان قرآن کریم، تفکر و اندیشه یعنی تجزیه و تحلیل مسائل و معلومات پیش رو به صورت آزادانه؛ آزاد از تمام فشارهای اجتماعی (ر.ک: آل عمران / ۱۹۰)، تاریخی (ر.ک: انعام / ۱۱) و هوی و هوس (ر.ک: بقره / ۲۱۹)؛ اندیشه‌ای که از جنجال نمی‌ترسد و به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نمی‌کند. چنین اندیشه‌ای محور برنامه‌ریزی و پی‌ریزی امور قرار می‌گیرد و در نتیجه انسان را به سمت توحید و معادباوری سوق می‌دهد (ر.ک: جواد آملی، ۱۳۸۶: ۲۶) و زمینه هدایت را فراهم می‌آورد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷/۳۸۱). ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (زمر / ۱۸).

۴-۱-۲. توجه به واقعیت‌های معنوی (ذکر)

یکی از شاخصه‌های مهم جامعه توحیدی، توجه به واقعیت‌های معنوی است؛ یعنی

حالت ذکر، حالت توجه به اصل خویشتن و فقیر دانستن خود در بارگاه الهی و حاضر دانستن خداوند در تمام ابعاد زندگی (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۰). ذکر، انسان را در مسیر توحیدی ثابت قدم نگه می‌دارد و مانع انحراف جامعه می‌شود. اگر انسان تنها به دنیای ماده توجه کند و از یاد خدا غفلت ورزد، به سمت لذت‌ها و قدرت‌طلبی‌ها و در نهایت تباهی کشانده می‌شود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (منافقون / ۹). توجه به اموال، فرزندان و دیگر امور مادی، اگر در زندگی اصل قرار گیرد و دستورات الهی به خاطر آن‌ها کنار گذاشته شود، غفلت از یاد خدا اتفاق خواهد افتاد (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۵۵۰) و این خسران و زبانی است که در دنیا و آخرت شامل حال انسان می‌شود.

حضور خداوند در تمام رفتارهای فردی و اجتماعی، نیازمند توجه به واقعیت‌های معنوی است. حضور خداوند به این معناست که استفاده از امور مادی و اسباب طبیعی با توجه به این نکته است که خداوند مبدأ پیدایش آن و تأثیرگذار در آن است (موسوی، ۱۳۹۳: ۲۶)؛ برای نمونه در میدان نبرد از خود دفاع می‌کند و از ابزار مادی نبرد استفاده می‌کند، ولی در همان حال، خداوند را منشأ اثر می‌داند و تیر انداختنش را نیز به اراده و عنایت او می‌داند: ﴿فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُمْ إِذْ رَمَيْتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾ (انفال / ۱۷).

۱-۴-۳. برنامه‌ریزی بر اساس شریعت

یکی از شاخص‌های جامعه توحیدی، دین‌مداری و به کار بستن شریعت الهی است. شریعت یعنی برنامه کامل و نقشه راه زندگی فردی و اجتماعی به منظور شکوفا نمودن استعدادهای مادی و معنوی (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۲۶-۱۲۷). از این رو، پیامبران پیوسته مردمان را به تنظیم روابط خود بر مبنای دین الهی دعوت می‌کردند تا به رشد و بالندگی برسند: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (آل عمران / ۸۵؛ نیز ر.ک: آل عمران / ۱۹). دین برای تمام نظام‌های موجود در جامعه برنامه دارد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۱۴)؛ برای مثال، دین مردم را تشویق می‌کند تا متناسب با استعدادها و امکانات خویش، با مدیریت حاکم اسلامی به آبادانی جهان پردازند: ﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرْوهُ﴾ (هود / ۶۱). آبادانی که در دین مورد توجه است، همراه با رعایت حقوق دیگران

می‌باشد. لذا سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی نباید در جیب یک عده جمع شود، بلکه باید مقداری از این سود برای رشد اقشار محروم قرار داده شود، در قالب‌های مختلف همچون زکات باطنی.

۴-۱-۴. کنترل آرزوهای بلند مادی

یکی از شاخصه‌های جامعه توحیدی، کنترل آرزوهای بلند مادی و پیشگیری از بلندپروازی‌های دنیایی است. منظور از این مطلب، پیشگیری از توجه بیش از حد به خواسته‌های دنیایی، قدرت‌طلبی و لذت‌گرایی است (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۶). از این روی قرآن کریم آرزوی بلند مادی را بستر غفلت و دوری از مسیر حق می‌داند و می‌فرماید: ﴿ذُرِّهِمْ أَكْلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (حجر/۳).

اگر جامعه توحیدی در راستای کنترل آرزوهای مادی موفق نباشد، اندیشه افراد جامعه در راستای تحقق اوهام و آرزوهای دنیایی به حرکت می‌افتد. قرآن کریم این اندیشه را مردود می‌شمارد و چنین جامعه خیال‌زده‌ای را فاقد ابزار فکر و اندیشه می‌داند تا بتواند لحظه‌ای به تفکر پردازد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۳/۷۴): ﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعُقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ الْأُدْعَاءَ وَنِدَاءَ صُومٍ بِكُمْ عُمَىٰ فَنَهُم لَا يَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۱۷۱).

اندیشه‌هایی یافته از هوی و هوس و بدون آرزوهای بلند مادی، با برنامه الهی کاملاً منطبق است (ر.ک: جبرئیلی، ۱۳۸۶: ۲۲) و باعث می‌شود تا جامعه به اندازه طی مسیر خویش از دنیا استفاده کند. لذا تبلیغات مبتنی بر ترویج خیال و آرزوی بلند دنیایی در جامعه توحیدی جایگاهی ندارد؛ چه اینکه این دست از تبلیغات، افراد جامعه را تحریک می‌کند تا آن آرزوها را محقق گردانند، اگرچه مستلزم اسراف و تعدی از حد میانه و اعتدال باشد.

۴-۱-۵. حرکت و پویایی

حرکت یکی از شاخصه‌های جامعه توحیدی است؛ حرکتی دائمی و همراه با پویایی و رشد. از این روی خداوند در نخستین روزهای بعثت، به پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهد که برخیز و انذار کن (مدثر/۲) و از معنویت شب و قرائت قرآن مدد جوی؛ چه، تو در روز تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت (مزمّل/۷-۱). جامعه توحیدی، خود را

عبد پروردگار می‌بیند؛ از این روی، بدون وقفه به سمت اهدافش پیش می‌رود و یقین دارد که به مقصد خویش می‌رسد، چه اینکه به وعده الهی باور دارد: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص / ۵).

جامعه توحیدی از تمام شرایط برای رشد و بالندگی سود می‌برد. قرآن کریم حال مؤمنان را در شرایط سخت جنگی به تصویر کشیده است؛ آن هنگام که به ظاهر تمام نیروها علیه لشکر توحید صف آرایی نموده‌اند و بنا بر معادلات دنیوی راهی برای پیروزی وجود ندارد: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَخْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره / ۲۵۰). در این مبارزه، جبهه توحید در مقابل جبهه طاغوت قد علم نموده، ولی تکیه گاه خویش را خدا و یاری او می‌داند و به توان مادی خویش اتکا ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۶۹۷). این حرکت و پویایی است؛ چه، اگر به ظاهر می‌نگریستند، باید متوقف می‌شدند و دست از مبارزه می‌کشیدند.

۲-۴. شاخصه‌های جامعه غیر توحیدی

جامعه غیر توحیدی (طاغوتی) برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشر از ابزاری استفاده می‌کند که جنبه مادی و دنیای دارد و کمتر به جنبه بینشی و معنوی توجه می‌کند. این ابزار و شاخصه‌ها از منظر قرآن کریم عبارت‌اند از:

۱-۲-۴. اولویت‌بخشی به خواسته‌های نفسانی

نخستین شاخصه جامعه غیر توحیدی، اولویت‌بخشی به خواسته‌های نفسانی و پاسخ‌گویی بدون حد و مرز به آن‌هاست. افراد در این جامعه با تمام توان در پی پاسخ‌گویی به خواسته‌های نفسانی خویش هستند: «وَيُلْ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ* الَّذِينَ يُسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» (ابراهیم / ۳-۲).

اصل فایده‌گرایی (اصالت نفع)، بر این پایه استوار است که خوشی و لذت فردی، باید هدف رفتار آدمی باشد (ر.ک: منتظر ظهور، ۱۳۷۶: ۵۳). در یک تقسیم‌بندی کلی، آرای مطرح‌شده در اخلاق را می‌توان به دو دسته غایت‌گرایانه^۱ و وظیفه‌گرایانه^۲ تقسیم

1. Teleological.
2. Deontological.

کرد. بنا بر نظریه‌های غایت‌گرایانه، برای بازشناسی کارهای درست از نادرست لازم است به نتیجه کار توجه شود. عمل تنها در صورتی به لحاظ اخلاقی صواب است که دست کم به اندازه هر جایگزین ممکن دیگری، باعث غلبه خیر بر شر شود. این در حالی است که به نظر وظیفه‌گرایان، برخی از ویژگی‌های عمل، قطع نظر از خیری که در پی می‌آورد، می‌تواند آن عمل را خوب، درست و لازم گرداند (فرانکنا، ۱۳۸۰: ۴۲). امروزه نظریه‌های غایت‌گرایانه، بر اندیشه‌های مکتب لیبرال سرمایه‌داری غالب است. غایت‌انگاران درباره‌ی اینکه چه چیز خوب و خیر است، دیدگاه‌های گوناگونی برگزیده‌اند، اما بیشتر آنان لذت‌گرایند و خیر را به خوشی، و شر را به رنج تعریف می‌کنند (ر.ک: همان: ۴۳-۴۵).

لذت مطلوب در این مکتب، فردی، مادی و دنیایی و مربوط به زمان حال است (پیر، بی‌تا: ۴۹-۵۰؛ توماس، ۱۳۶۲: ۱۷-۱۹). این اصول سه‌گانه‌ی فایده‌گرایان اکنون نیز در منازعات نظری در محدوده اقتصاد، جامعه‌شناسی، اخلاق و فلسفه‌ی سیاسی، و حاکمیت خود را به خوبی نشان می‌دهد.

دیدگاه توحیدی -اما- با پذیرش استفاده از لذت‌های حلال (ر.ک: اعراف/ ۳۲)، به هدایت و سوددهی آن پرداخته است؛ چه، انسان خواهان بهره‌مندی از همه لذت‌هاست، ولی به دلیل ظرفیت وجودی محدودش، ناگزیر است در میان لذت‌ها، دست به انتخاب بزند و از میان آن‌ها، عمیق‌ترین و پایدارترینشان را برگزیند. از آنجا که چه بسا در این انتخاب، دچار اشتباه شود و خود را از لذت‌های برتر محروم سازد (بقره/ ۲۱۶)، اسلام ضمن تعدیل لذت‌های جسمی (ر.ک: بقره/ ۱۷۲)، او را به لذت‌های روحی و معنوی هدایت و ترغیب می‌کند (ر.ک: شوری/ ۳۶). بدین‌سان تلاش در راه نزدیکی به خدا، به شکوفایی استعدادهای درونی و پاسخ به چنین انگیزه‌ها و گرایش‌هایی با رعایت سلسله مراتب آن منتهی می‌گردد (مصباح‌بزدی، ۱۳۷۵: ۴۱/۲-۶۳، ۱۵۵-۱۷۰ و ۲۰۷-۲۱۳؛ حسینی، ۱۳۷۹: ۱۰۲-۱۰۶). بر این اساس می‌توان لذت‌ها را به لذت‌های روحی، بدنی، دنیوی و اخروی تقسیم کرد. قرآن کریم بارها به لذت‌های جهان آخرت تصریح کرده است (برای نمونه ر.ک: زخرف/ ۷۱؛ واقعه/ ۳۷-۱۵). در بسیاری از موارد، این لذت‌ها در تزامن با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ گاه خوردن غذایی لذیذ یا دیدن منظره‌ای فرح‌بخش یا رفتاری لهوگونه در

این دنیا، آدمی را از لذت‌های برتر جهان آخرت باز می‌دارد (ر.ک: اعراف/ ۵۰-۵۱).
 از دیدگاه اسلام، انسانی سعادتمند است که مجموع لذات دنیوی و اخروی‌اش
 بیشتر گردد؛ و چون لذت‌های اخروی از لذت‌های دنیوی برتر است، در مقام تزامن
 ترجیح دارد.

جامعه‌ای که در مسیر لذت‌طلبی مادی به پیش می‌رود، برای طی این مسیر به کسب
 علم و ساخت ابزار می‌پردازد و به طور منظم به کار و تلاش شبانه‌روزی مشغول می‌شود.
 اما علم و ابزار این جامعه، زمینه‌ی فروپاشی بشریت می‌شود؛ چه اینکه عدالت، کرامت
 نوع انسان، امنیت و برطرف کردن طبقات اجتماعی در نظر گرفته نمی‌شود. اگر علم با
 همه پیشرفت خود، از اخلاق و دین فاصله بگیرد، به حال بشریت مفید نخواهد بود.

۲-۲-۴. بی‌توجهی به واقعیت‌های معنوی

بی‌توجهی به واقعیت‌های معنوی، شاخصه‌ی دیگر جامعه‌ی غیر توحیدی است. در این
 جامعه به واقعیت‌های معنوی و عوامل دعوت‌کننده به آن بی‌توجهی می‌شود (ر.ک: بقره/
 ۲۰-۶). قرآن کریم بی‌توجهی به عالم معنا را سرزنش می‌نماید (ر.ک: بقره/ ۷۸-۸۰) و به
 جامعه دستور می‌دهد که تمام فعالیت خود را باید با یاد خداوند و تحت برنامه‌ی جامع
 الهی پیگیری کند، حتی برنامه‌ی اقتصادی خویش را (ر.ک: ابروانی، ۱۳۸۴: ۱۶۶): ﴿رَجُلًا لَا
 تَلْمِيزُهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا يَتَّبِعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يُخَافُونَ يَوْمًا تَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ (نور/ ۳۷).
 پوچ‌گرایی و از دست دادن معنای زندگی، محصول چنین بینشی است. این
 بی‌توجهی به وسیله‌ی عواملی در جامعه‌ی غیر توحیدی گسترش می‌یابد. برخی از آن عوامل
 عبارت‌اند از: فعالیت اقتصادی بدون حد و اندازه، استفاده از مشروبات الکلی، و توجه
 بیش از حد به میل جنسی. قرآن کریم تصویر این جامعه را در قالب داستان قوم لوط
 مطرح می‌کند؛ جامعه‌ای غفلت‌زده و افسارگسیخته در میل جنسی که سرانجام آن را
 هلاکت می‌داند (ر.ک: اعراف/ ۸۰-۸۲).

۳-۲-۴. واقع‌نگاری پندارهای ذهنی

در جامعه‌ی غیر توحیدی، بسیاری از پندارها لباس واقعیت می‌پوشند و به جای
 واقعیت دیده می‌شوند (ر.ک: عنکبوت/ ۲ و ۴). از این روی، بسیاری از حقایق عالم هستی

مورد توجه قرار نمی‌گیرند. در این جامعه افراد با خیالات زندگی می‌کنند و خشنود و ناراحت می‌شوند (ر.ک: نجم/ ۲۳ و ۲۷-۳۰). قرآن کریم در سوره کهف درباره افرادی که در پی جنگ و غارت هستند و دنیا و مال دنیا برایشان مهم است، می‌فرماید: این‌ها زیبایی‌های ظاهری دنیا را واقعیت پنداشته و به آن مشغول شده‌اند، در حالی که تلاششان به سوی نابودی است: ﴿الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ (کهف/ ۱۰۴).

در جامعه امروزی، رسانه‌های تصویری کمک بسیار زیادی به واقع‌انگاری پندارهای ذهنی می‌نمایند؛ چه اینکه بیننده با مشاهده قهرمان فیلم، همانند انگاری نموده و خود را در نقش وی در نظر می‌گیرد و تمام لذت‌های خیالی بازیگر را در خود احساس می‌کند؛ هرچند در واقعیت آن احساس به وجود نیامده است.

نتیجه‌گیری

جامعه توحیدی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی بشر، برنامه‌ای تحت مدیریت عقل و شرع ارائه نموده و در این برنامه از اصولی چون خدامحوری، ایمان به غیب و معاد و ولایت حق بهره برده است. همچنین جریان توحیدی، ابزار و شاخصه‌های متناسب با خود را به کار گرفته تا بتواند جامعه را با برنامه خویش به سمت هدف نهایی که مقام قرب و رضوان الهی است، ساماندهی کند؛ شاخصه‌هایی چون پی‌ریزی امور بر اساس تفکر و اندیشه، توجه به واقعیت‌های معنوی (ذکر)، برنامه‌ریزی بر اساس شریعت، کنترل آرزوهای بلند مادی، حرکت و پویایی.

در مقابل جریان توحیدی، همیشه جریان طاغوتی خودنمایی نموده است که در پاسخ‌گویی به نیازهای انسان حد و مرزی قائل نیست و انسان‌محوری، مادیگری و ولایت طاغوت را مبنای کار خویش قرار داده است.

جامعه غیر توحیدی از شاخصه‌ها و ابزارهایی سود می‌برد که بیشتر جنبه مادی و دنیایی دارند و کمتر به جنبه بینشی و معنوی توجه می‌کند. شاخصه‌های جامعه طاغوتی، اموری همچون: اولویت‌بخشی به خواسته‌های نفسانی، واقع‌انگاری پندارهای ذهنی و بی‌توجهی به واقعیت‌های معنوی است.

کتاب‌شناسی

۱. نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.
۲. آریلاستر، آتونی، لیبالیسم غرب؛ ظهور و سقوط، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷ ش.
۳. احمدی، محمدامین، انتظار بشر از دین، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۴. ایروانی، جواد، آشنایی با اقتصاد اسلامی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱ ش.
۵. همو، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴ ش.
۶. باتلر، ایمون، اندیشه‌های اقتصادی میلتون فریدمن، ترجمه فریدون تفضلی، تهران، نی، ۱۳۷۷ ش.
۷. بومر، فرانکلین لوفان، جریان‌های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی، ترجمه حسین بشیریه، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰ ش.
۸. پیر، ژانه، اخلاق، ترجمه بدرالدین کتابی، اصفهان، بی‌نا، بی‌تا.
۹. توماس، هنری، بزرگان فلسفه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، کیهان با همکاری انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.
۱۰. جبرئیلی، محمدصفر، فلسفه دین و کلام جدید، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. جعفری، محمدتقی، فلسفه دین، تدوین عبدالله نصری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، انسان در اسلام، تهران، رجا، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. همو، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، قم، اسراء، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. همو، فطرت در قرآن، چاپ دوم، قم، اسراء، ۱۳۷۹ ش.
۱۵. همو، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، اسراء، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. حسینی، سیدرضا، الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۸. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، آمریکا در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۱۹. همو، دوران جدید عالم، به کوشش سعید اشیری، چاپ دوم، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۲۰. همو، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی، ۱۳۹۲ ش.
۲۱. دادگر، یدالله، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. دیویس، تونی، اومانیسیم، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، تصحیح سیدمحمد خامنه‌ای و غلامرضا اعوانی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۶. طبرسی، امین‌الدین ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.

۲۷. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر تمیمی بکری شافعی، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۸. فرانکنا، ویلیام کی.، *فلسفه اخلاق*، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران، حکمت، ۱۳۸۰ ش.
۲۹. کاپلستون، فردریک، *تاریخ فلسفه (فیلسوفان انگلیسی از هابز تا هیوم)*، ترجمه جلال‌الدین اعلم، تهران، سروش، ۱۳۷۰ ش.
۳۰. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (علیهم السلام)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، تحقیق محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۵ ش.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، *ده درس معادشناسی*، قم، نسل جوان، ۱۳۹۴ ش.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، چاپ یازدهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ ش.
۳۵. منتظر ظهور، محمود، *اقتصاد خرد و کلان*، چاپ نهم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش.
۳۶. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، *فلسفه اخلاق*، چاپ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷ ش.
۳۷. موسوی، خلیل، *مراتب توحید الهی در حکمت متعالیه و اثرپذیری از قرآن و سنت*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۳ ش.
۳۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *چهل حدیث*، تهران، رجا، ۱۳۶۸ ش.
۳۹. نراقی، محمدهدی بن ابی‌ذر، *جامع السعادات*، تصحیح سیدمحمد کلاتر، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی‌تا.
۴۰. نمازی، حسین، *نظام‌های اقتصادی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴ ش.
۴۱. ویر، ماکس، *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران، سمت، ۱۳۷۱ ش.